

طه

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

طه

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکني. آن را فقط برای یادآوری کسانی که از خدا می‌ترسند نازل ساختیم. این قرآن از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. همان بخشنده‌ای که بر عرش مسلط است. از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه میان آن دو و آنچه در زیر خاک پنهان است. اگر سخن آشکارا بگویی یا مخفی کنی، او اسرار - و حتی پنهان‌تر از آن - را نیز می‌داند. او خداوندی است که معبودی جز او نیست و نامهای نیکوتر از آن اوست. آیا خیر موسی به تو رسیده است؟ هنگامی که از دور آتشی مشاهده کرد و به خانواده‌ی خود گفت: اندکی درنگ کنید که من آتشی دیدم. شاید شعله‌ای از آن برای شما بیاورم؛ یا بوسیله‌ی این آتش راه را پیدا کنم.

هنگامی که نزد آتش آمد، ندا داده شد که: ای موسی. من پروردگار توام. کفشایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس قدم نهاده‌ای. من تو را برای مقام رسالت برگزیدم؛ اکنون به آنچه بر تو وحی می‌شود، گوش فراده. من الله هستم؛ معبودی جز من نیست. مرا بپرست و نماز را برای یاد من بپادار. به طور قطع رستاخیز خواهد آمد. می‌خواهم آن را پنهان کنم تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود جزا داده شود. پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می‌کند تو را از آن بازدارد؛ که هلاک خواهی شد.

- آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟

گفت: این عصای من است؛ بر آن تکیه می‌کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرومی‌ریزم و مرا با آن کارها و نیازهای دیگری است.

گفت: ای موسی. آن را بیفکن

پس موسی آن عصا را افکند، که ناگهان اژدهایی شد که به هر سو می‌شتافت.

گفت: آن را بگیر و نترس، ما آن را به صورت اولش باز می‌گردانیم. دستت را به گریبانیت ببر، تا سفید و بی‌عیب بیرون آید؛ این نشانه‌ی دیگری از سوی خداوند است تا از نشانه‌های بزرگ خویش به تو نشان دهیم. اینک به سوی فرعون برو، که او طغیان کرده است.

موسی گفت: پروردگارا، سینه‌ام را گشاده کن، کارم را برابرم آسان گردان و گره از زبانت بگشای تا سخنان مرا بفهمند و وزیری از خاندانم برای من قرار ده. برادرم هارون را. با او پیشتم را محکم کن و او را در کارم شریک ساز؛ تا تو را بسیار تسبیح گوئیم و تو را بسیار یاد کنیم؛ چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای.

فرمود: ای موسی، آنچه را خواستی به تو داده شد. ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساختیم. آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود الهام کردیم که: او را در صندوقی بیفکن و آن صندوق را به دریا بینداز تا دریا آن را به ساحل افکند و دشمن من و دشمن او آن را برگیرد و من محبتی از خودم بر تو افکنم تا در برابر دیدگان علم من ساخته شوی و پرورش یابی. در آن هنگام که خواهرت در نزدیکی کاخ فرعون راه می‌رفت و می‌گفت: آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند و دایه خوبی برای او خواهد بود. پس تو را به مادرت بازگردانیم تا چشمش به تو روشن شود و غمگین نگردد و تو یکی از فرعونیان را کشتی؛ اما ما تو را از اندوه نجات دادیم و بارها تو را آزمودیم. پس از آن سالیانی در میان مردم مدین توقف نمودی سپس در زمان مقدر برای فرمان رسالت به این جا آمدی. ای موسی من تو را برای خودم ساختم و پرورش دادم. اکنون تو و برادرت با آیات من بروید و در یاد من کوتاهی نکنید. به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است. اما به نرمی با او سخن بگویید شاید متذکر شود یا از خدا بترسد.

گفتند: پروردگارا، از این می‌ترسیم که بر ما پیشی گیرد و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد یا طغیان کند و نپذیرد.

گفت: نترسید. من با شما هستم؛ همه چیز را می‌شنوم و می‌بینم. به سراغ او بروید و بگویید: ما فرستادگان پروردگار توایم. بنی اسرائیل را با ما بفرست و آنان را شکنجه و آزار مکن. ما نشانه‌ی روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده‌ایم. درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می‌کند. به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که آیات الهی را تکذیب کند و سرپیچی نماید.

فرعون گفت: پروردگار شما کیست، ای موسی؟

گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است.

گفت: پس تکلیف نسل‌های گذشته که به اینها ایمان نداشتند چه خواهد شد؟

گفت: آگاهی مربوط به آنها، نزد پروردگارم در کتابی ثبت است؛ پروردگارم هرگز گمراه نمی‌شود و فراموش نمی‌کند و آنچه شایسته آنهاست به ایشان می‌دهد. همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و راه‌هایی در آن ایجاد کرد و از آسمان، آبی فرستاد. که با آن انواع گوناگون گیاهان را از خاک تیره برآوردیم. هم خودتان بخورید و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید. مسلما در اینها نشانه‌های روشنی برای خردمندان است. ما شما را از آن زمین آفریدیم و در آن باز می‌گردانیم و بار دیگر در قیامت شما را از آن بیرون می‌آوریم. ما همه‌ی آیات خود را به او نشان دادیم؛ اما او تکذیب کرد و سرباز زد.

گفت: ای موسی آیا آمده‌ای که با سحر خود ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟

قطعا ما هم سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد. هم اکنون تاریخش را تعیین کن و موعدی میان ما و خودت قرار ده که نه ما و نه تو از آن تخلف نکنیم؛ آن هم در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد. گفت: میعاد ما و شما روز عید است؛ به شرط اینکه همه مردم هنگامی که روز بالا می‌آید جمع شوند.

فرعون آن مجلس را ترك گفت و تمام مکر و فریب خود را جمع کرد و سپس همه را در روز موعود آورد. موسی به آنان گفت: وای بر شما، دروغ بر خدا نیندید که شما را با عذابی نابود می‌سازد و هر کس که بر خدا دروغ ببندد نومید و شکست خورده می‌شود.

آنها در میان خود در مورد ادامه راهشان به نزاع برخاستند و مخفیانه و درگوشی با هم سخن گفتند. گفتند: این دو نفر مسلما ساحرنند. می‌خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و راه و رسم نمونه‌ی شما را از بین ببرند. اکنون که چنین است تمام نیرو و نقشه‌ی خود را جمع کنید و در يك صاف به میدان مبارزه بیایید؛ امروز رستگاری از آن کسی است که برتری خود را اثبات کند.

ساحران گفتند: ای موسی. آیا تو اول عصای خود را می‌افکنی، یا ما کسانی باشیم که اول بیفکنیم؟ گفت: شما اول بیفکنید.

در این هنگام طنابها و عصاهای آنان بر اثر سحرشان چنان به نظر می‌رسید که حرکت می‌کند. موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد مبادا مردم گمراه شوند. گفتیم: نترس. تو مسلما پیروز و برتری. آنچه را در دست راست داری بیفکن، تمام آنچه را ساخته‌اند می‌بلعد. آنچه ساخته‌اند تنها مکر ساحر است و ساحر هر جا رود رستگار نخواهد شد. موسی عصای خود را افکند و آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم.

فرعون گفت: آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟ مسلما او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است. به یقین دستها و پاهایتان را بطور مخالف قطع می‌کنم و شما را از تنه‌های نخل به دار می‌آویزم و خواهید دانست مجازات کدام يك از ما دردناکتر و پایدارتر است.

گفتند: سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای ما آمده، مقدم نخواهیم داشت. هر حکمی می‌خواهی بکن؛ تو تنها در این زندگی دنیا می‌توانی حکم کنی. ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهانمان و آنچه را از سحر بر ما تحمیل کردی بیخشاید و خدا بهتر و پایدارتر است. هر کس در محضر پروردگارش خطاکار حاضر شود آتش دوزخ برای اوست؛ در آن جا نه می‌میرد و نه زندگی می‌کند و هر کس با ایمان نزد او آید و اعمال صالح انجام داده باشد، چنین کسانی درجات عالی

دارند. باغهای جاویدان بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، در حالی که همیشه در آن خواهند بود؛ این است پاداش کسی که خود را پاک نماید.

ما به موسی وحی فرستادیم که: شبانه بندگانم را از مصر با خود ببر و برای آنها راهی خشک در دریا بگشا؛ که نه از تعقیب فرعونیان خواهی ترسید و نه از غرق شدن در دریا. به این ترتیب فرعون با لشکریانش آنها را دنبال کردند و دریا آنان را در میان امواج خروشان خود بطور کامل پوشانید.

فرعون قوم خود را گمراه ساخت و هرگز هدایت نکرد. ای بنی اسرائیل، ما شما را از جنگال دشمنان نجات دادیم و در طرف راست کوه طور، با شما وعده گذاریم و من و سلوی بر شما نازل کردیم. بخورید از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، خوار و هلاک خواهد شد. من هر که را توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود می‌آمزم.

ای موسی. چه چیز سبب شد که از قومت پیشی‌گیری و برای آمدن به کوه طور عجله کنی؟

عرض کرد: پروردگارا، آنان در پی من‌اند و من به سوی تو شتاب کردم، تا از من خشنود شوی.

فرمود: ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت. موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: ای قوم من. مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟ آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟

گفتند: ما به میل و اراده‌ی خود از وعده‌ی تو تخلف نکردیم؛ بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم و سامری اینچنین القا کرد و برای آنان مجسمه‌گوساله‌ای که صدایی همچون صدای گوساله‌ی واقعی داشت پدید آورد و به یکدیگر گفتند: این خدای شما و خدای موسی است و او فراموش کرد پیمانی را که با خدا بسته بود.

آیا نمی‌بینند که این گوساله هیچ پاسخی به آنان نمی‌دهد و مالک هیچ گونه سود و زبانی برای آنها نیست؟ پیش از آن هارون به آنها گفته بود: ای قوم من، شما به این وسیله مورد آزمایش قرار گرفته‌اید. پروردگار شما خداوند رحمان است. پس، از من پیروی کنید و فرمانم را اطاعت نمایید.

ولی آنها گفتند: ما همچنان گرد آن می‌گردیم و به پرستش گوساله ادامه می‌دهیم تا موسی به سوی ما بازگردد.

موسی گفت: ای هارون چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند از من پیروی نکردی؟ آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟

هارون گفت: ای فرزند مادرم، ای برادر، ریش و سر مرا بگیر. من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا به کار نبستی.

موسی رو به سامری کرد و گفت: تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟ گفت: من چیزی دیدم که آنها ندیدند؛ من قسمتی از آثار رسول و فرستاده خدا را گرفتم، سپس آن را افکندم و اینچنین هوای نفس من این کار را در نظرم جلوه داد.

موسی گفت: برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که هر کس با تو نزدیک شود بگویی با من تماس بگیر و تو میعادی از عذاب خدا داری، که هرگز تخلف نخواهد شد. اکنون بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی و ببین ما آن را نخست می‌سوزانیم؛ سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم. معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نیست و علم او همه چیز را فرا گرفته است.

این گونه بخشی از اخبار پیشین را برای تو بازگو می‌کنیم و ما از نزد خود ذکر و قرآنی به تو دادیم. هر کس از آن روی گردان شود، روز قیامت بار سنگینی از گناه و مسوولیت بر دوش خواهد داشت. در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند و بد باری است برای آنها در روز قیامت. همان روزی که در صور دمیده می‌شود و مجرمان را با بدنهای کبود در آن روز جمع می‌کنیم.

آنها آهسته با هم گفتگو می‌کنند؛ بعضی می‌گویند: شما فقط ده شبانه روز در عالم برزخ توقف کردید و نمی‌دانند چقدر طولانی بوده است. ما به آنچه آنها می‌گویند آگاه‌تریم، هنگامی که نیک‌روشن‌ترین آنها می‌گوید: شما تنها يك روز درنگ کردید.

از تو درباره کوه‌ها سؤال می‌کنند؛ بگو: پروردگارم آنها را متلاشی کرده برباد می‌دهد. سپس زمین را صاف و هموار و بی‌آب و گیاه‌ها می‌سازد به گونه‌ای که در آن، هیچ پستی و بلندی نمی‌بینی. در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی نموده و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت و همگی از قبرها برمی‌خیزند و همه‌ی صداها در برابر عظمت خداوند رحمان، خاضع می‌شود و جز صدای آهسته چیزی نمی‌شنوی. در آن روز شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است. آنچه را پیش رو دارند و آنچه را در دنیا پشت سر گذاشته‌اند می‌دانند؛ ولی آنها به علم او احاطه ندارند و در آن روز همه چهره‌ها در برابر خداوند حی قیوم، خاضع می‌شود و مایوس و زیانکار است آن که بار ستمی بر دوش دارد. اما آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ظلمی می‌ترسد و نه از نقصان حقش و این گونه آن را قرآنی عربی فصیح و گویا نازل کردیم و انواع وعیدها و انذارها را در آن بازگو نمودیم، شاید تقوا پیشه کنند یا

برای آنان تذکری پدید آورد. پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حق است. پس نسبت به تلاوت قرآن پیش از آن که وحی بر تو تمام شود عجله مکن و بگو: پروردگارا، علم مرا افزون کن. پیش از این از آدم پیمان گرفته بودیم؛ اما او فراموش کرد و عزم استواری برای او نیافتیم.

به یاد آور هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد و سجده نکرد.
پس گفتیم: ای آدم، این ابلیس دشمن تو و دشمن همسر توست. مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به زحمت و رنج خواهی افتاد. اما تو در بهشت راحت هستی و مزیتش برای تو این است که در آن گرسنه و برهنه نخواهی شد و در آن تشنه نمی‌شوی و حرارت آفتاب آزارت نمی‌دهد ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم، آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟
سرانجام هر دو از آن خوردند، و لباس بهشتی‌شان فرو ریخت و عورتشان آشکار گشت و برای پوشاندن خود از برگهای درختان بهشتی جامه دوختند. آری آدم پروردگارش را نافرمانی کرد و از پاداش او محروم شد. سپس پروردگارش او را برگزید و توبه‌اش را پذیرفت و هدایتش نمود.
گفت: هر دو از آن بهشت فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید هر کس از هدایت من پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه در رنج خواهد بود و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم.

می‌گوید: پروردگارا، چرا نابینا محسورم کردی؟ من که بینا بودم.
می‌گوید: آن گونه که آیات من برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی؛ امروز نیز تو فراموش خواهی شد. این گونه جزا می‌دهیم کسی را که اسراف کند و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد عذاب آخرت، شدیدتر و پایدارتر است. آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از نسلهای پیشین را که طغیان و فساد کردند هلاک نمودیم و اینها در مسکنهای ویران شده آنان راه می‌روند. مسلما در این امر نشانه‌های روشنی برای خردمندان است و اگر سنت و تقدیر پروردگارت و ملاحظه‌ی زمان مقرر نبود، عذاب الهی به زودی دامان آنان را می‌گرفت. پس در برابر آنچه می‌گویند صبر کن و پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور و همچنین برخی از ساعات شب و اطراف روز پروردگارت را تسبیح گوی؛ باشد که از الطاف الهی خشنود شوی و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم می‌فکن. اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست؛ تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است. خانواده‌ی خود را به نماز فرمان ده و

بر انجام آن شکيبا باش. از تو روزی نمی‌خواهيم؛ بلکه ما به تو روزی می‌دهيم و عاقبت نيك برای تقواست.

گفتند: چرا پیامبر معجزه و نشانه‌ای از سوی پروردگارش برای ما نمی‌آورد؟ بگو: آیا خبرهای روشنی که در کتابهای آسمانی نخستین بوده برای آنها نیامد؟ اگر ما آنان را پیش از آن که قرآن نازل شود با عذابی هلاک می‌کرديم در قیامت می‌گفتند: پروردگارا، چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه ذلیل و رسوا شويم. بگو: همهي ما و شما در انتظاريم. ما در انتظار وعده‌ي پیروزی و شما در انتظار شکست ما. حال که چنین است، انتظار بکشيد. اما به زودی می‌دانيد چه کسی از اصحاب صراط مستقیم و چه کسی هدایت یافته است.